

رابطه بین قضاوت اخلاقی و بی‌صدافتی تحصیلی با نقش میانجی خودکنترلی در دانش‌آموزان^۱

یاسین حسینی آلمان آباد*، باقر سرداری**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه بین قضاوت اخلاقی و بی‌صدافتی تحصیلی با نقش میانجی خودکنترلی در دانش‌آموزان انجام شد. طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه اول شهر ارومیه در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ به تعداد ۱۰۰۰۰ نفر بود. از این جامعه، نمونه‌ای به حجم ۳۸۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل آزمون قضاوت اخلاقی و مقیاس‌های بی‌صدافتی تحصیلی و خودکنترلی بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری در برنامه SPSS نسخه ۲۲ و AMOS نسخه ۲۱ استفاده شد. یافته‌های پژوهش حاکی از برازش مناسب مدل پژوهش بوده و قضاوت اخلاقی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم با میانجی‌گری خودکنترلی پیش‌بینی‌کننده منفی و معنی‌دار بی‌صدافتی تحصیلی دانش‌آموزان بود. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که به منظور کاهش بی‌صدافتی تحصیلی، باید قضاوت اخلاقی و خودکنترلی دانش‌آموزان مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: بی‌صدافتی تحصیلی، خودکنترلی، قضاوت اخلاقی

^۱ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در دانشگاه آزاد اسلامی خوی است.

* کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران. yasin.ho123654@gmail.com

** استادیار گروه علوم تربیتی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران. (نویسنده مسئول) sardary1152bagher@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۲۱

تاریخ دریافت مقاله نهایی: ۱۴۰۱/۴/۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۶

مقدمه

بی‌صدافتی تحصیلی^۱ به یک مشکل جدی حل نشده در تمام سطوح آموزش در سراسر جهان تبدیل شده است (ریدوان و دیانتیمالا، ۲۰۲۱). بی‌صدافتی یک پدیده گسترده و هشداردهنده است و به دلیل اینکه با رفتارهای متقلبانانه دانش‌آموزان همراه است مورد توجه جدی محققان قرار گرفته است. بی‌صدافتی تحصیلی به عنوان عملی غیراخلاقی در انجام تکالیف تحصیلی تعریف می‌شود که طیف گسترده‌ای از رفتار ناسازگار تحصیلی مانند تقلب (دادن یا دریافت کمک غیرمجاز در یک آزمون یا امتحان تحصیلی)، سرقت ادبی (استفاده از کلمات و ایده‌های دیگر نویسندگان به نام خود) و ساخت اطلاعات (نه ایجاد و نه جمع‌آوری داده‌ها) را شامل می‌شود (استابر-مک‌ایوین، ویسلی و هوگات، ۲۰۰۹؛ حکیم و همکاران، ۲۰۱۸). بی‌صدافتی تحصیلی را می‌توان به صورت تقلب فردی، تقلب جمعی فعال و تقلب جمعی منفعل در نظر گرفت (ژانگ، بین و ژنگ، ۲۰۱۸). تقلب انفرادی شامل استفاده از منابع شخصی است که دانش‌آموز قبل از امتحان تهیه کرده (مانند یادداشت‌ها) و در طول جلسه امتحان از آن‌ها استفاده می‌کند. تقلب جمعی فعال، یعنی کپی کردن دانش‌آموز دیگر و تقلب جمعی منفعل یعنی دانش‌آموزی بدون هیچ اعتراضی به دانش‌آموز دیگر اجازه می‌دهد پاسخ او را کپی کند (توماس، ۲۰۱۷). چندین گزارش حاکی از آن است که تقلب معمولاً در بین دانش‌آموزان در دوره‌های راهنمایی و دانشگاه اتفاق می‌افتد (کرو، فانگ و هاف، ۲۰۲۱).

با وجود ماهیت غیراخلاقی بی‌صدافتی تحصیلی، شواهد پژوهشی نشان می‌دهند، این‌گونه رفتارها در همه محیط‌های تحصیلی از شیوع نسبی برخوردارند (آنیتا و ساندارام، ۲۰۲۱). بی‌صدافتی تحصیلی به قلب محیط آموزشی ضربه می‌زند و اهداف عالی آموزش از قبیل پرورش رهبران آینده با تجسم ارزش‌هایی مانند صداقت و احترام به دیگران را تهدید می‌کند (استیفنز، ۲۰۱۸). پدیده بی‌صدافتی تحصیلی نگرانی‌های دینی، روانی، اخلاقی و اجتماعی را به دنبال دارد، در نتیجه، تلاش‌های علمی برای درک و کنترل آن در حال انجام است. روان‌شناسان اخلاق در حوزه تحصیلی هم‌اکنون با این پرسش روبه‌رو هستند که بی‌صدافتی در بافت‌های علمی و تحصیلی توسط چه متغیرهایی قابل توضیح است؟ (وانگ، وانگ، چن و لی، ۲۰۱۷). یکی از مفروضه‌های قوی در مورد پدیده بی‌صدافتی تحصیلی سطح قضاوت اخلاقی^۲ است. قضاوت اخلاقی با ایجاد استدلال‌های منطقی برای عمل غیراخلاقی، ممکن است در گرایش دانش‌آموزان به بی‌صدافتی تحصیلی نقش داشته باشد (هنینگ و همکاران، ۲۰۱۳).

چگونگی رسیدن افراد به قضاوت درباره آنچه که از نظر اخلاقی خوب یا بد است، برای فیلسوفان یک پرسش باستانی و برای روان‌شناسان یک سوال مدرن بوده است (کلب، زیویک و دیسنر،

^۱. academic dishonesty

^۲. moral judgment

۲۰۲۰)، و مکانیسم‌های مختلفی برای توضیح قضاوت اخلاقی ارائه شده است (سشی، هیسنبلی، سارتوری و توکنی، ۲۰۱۴). در مفهوم‌سازی قضاوت اخلاقی، نظریه‌پردازان به جنبه‌های مختلفی از این سازه اشاره نموده‌اند. از نظر هاید (۲۰۰۱) قضاوت‌های اخلاقی به‌عنوان ارزیابی (خوب در مقابل بد) از عملکردها یا شخصیت یک شخص انجام می‌شود که با توجه به مجموعه‌ای از فضایل ترغیب شده توسط یک فرهنگ یا خرده‌فرهنگ انجام می‌شود. قضاوت اخلاقی اشاره به ارزیابی اعمال دیگران بر اساس انگیزه عاملیت و همچنین بر اساس نتیجه عمل در بافت ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی و فرهنگی دارد (کانا، ۲۰۱۱).

کلبرگ به‌عنوان یکی از پیشروان رشد اخلاقی، رشد قضاوت اخلاقی را در سه سطح و شش مرحله طبقه‌بندی کرد و رشد اخلاق را موازی با رشد روان‌شناختی افراد دانسته است. این سه سطح به‌ترتیب عبارت بودند از: اخلاق پیش‌عرفی^۱، متعارف^۲، پس‌عرفی^۳ (آبیک، چاودار و اوزاباکی، ۲۰۱۵). از دیدگاه کلبرگ یکی از جنبه‌های مهم رشد آدمی درک ارزش‌های حاکم بر جامعه و سازگار شدن با این ارزش‌ها است (آبیک و همکاران، ۲۰۱۵). مفهومی که کودکان از درست یا نادرست دارند، همراه با افزایش سن به روش قابل‌توجهی تغییر می‌کند. کودکان کم‌کم می‌فهمند که چه گفته‌ای دروغ است و چه فرقی بین قرض گرفتن و دزدی کردن وجود دارد. قضاوت‌های اخلاقی فرایندهای مهم تصمیم‌گیری هستند زیرا ارزیابی اقدامات خود ما یا دیگران در تعاملات اجتماعی را تسهیل می‌کنند (هیاشی و همکاران، ۲۰۱۴). تحقیقات در خصوص ارتباط قضاوت اخلاقی با بی‌صدافتی تحصیلی محدود است. با این حال، نتایج برخی از مطالعات حکایت از ارتباط سازه‌های مرتبط با قضاوت اخلاقی همچون استدلال اخلاقی با بی‌صدافتی تحصیلی دارد (حریاتی و اکاسری، ۲۰۲۰). در این رابطه، رونی (۲۰۱۵) در پژوهشی خاطر نشان کرد که استدلال اخلاقی دانش‌آموزان تاثیر معنی‌داری بر کاهش عادت‌های تحصیلی نامطلوب همچون تقلب کردن و سرقت ادبی دارد. هنینگ و همکاران (۲۰۱۳) نیز اشاره نمودند که بی‌صدافتی تحصیلی (کپی‌برداری و تباخی) ممکن است با نحوه تصمیم‌گیری اخلاقی دانش‌آموزان مرتبط باشد. فراگیرانی که احتمالاً راه‌حل‌های غیرقانونی را برای معضل اخلاقی پیشنهاد می‌کنند، بیشتر رفتارهای بی‌صدافتی همچون تقلب را نشان می‌دهند.

اخیراً بررسی‌ها نشان داده‌اند که ارتکاب بی‌صدافتی تحصیلی به‌منظور به دست آوردن اعتبار و خوش‌نامی تحصیلی، علاوه بر سطح قضاوت اخلاقی احتمالاً تا حدودی با سازه خودکنترلی نیز مرتبط است. خودکنترلی^۴ می‌تواند به تشویق رفتار درست و جلوگیری از رفتار نادرست کمک کند

^۱. pre-conventional morality

^۲. conventional

^۳. post-conventional

^۴. self-control

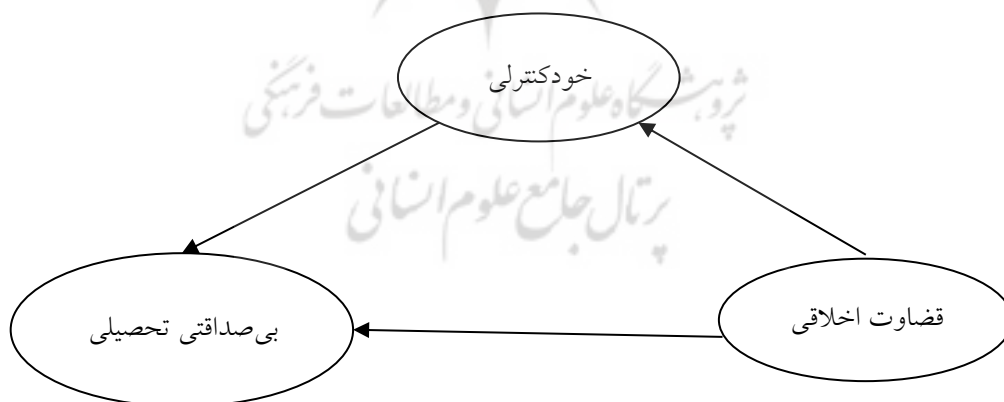
(دریدر، دبوئر، لاگتینگ، باکر و ون هوفت، ۲۰۱۱). فوجیتا (۲۰۱۱) پیشنهاد کرده است که مهار تکانه ها و توانایی مقاومت در برابر وسوسه، تاثیر زیادی بر فرایندهای اخلاقی به ویژه بی صدافتی تحصیلی دارد. از نظر موراون و بامیستر خودکنترلی بیانگر توانایی یک فرد در تنظیم مستقل رفتارهایش برای مطابقت با ارزش های شخصی و انتظارات اجتماعی است (نقل از لئو، ژانگ و چن، ۲۰۲۰). خودکنترلی به فرد کمک می کند انگیزه های شخصی مورد قبول جامعه را بپذیرد و افکار، عواطف و رفتارهای خود را بهتر به نمایش بگذارد و رفتارهای قابل قبول اجتماعی از خود نشان دهد (کورن ول و هیگینز، ۲۰۱۹). تحصیل در یک محیط آموزشی کاملاً رقابتی که دستیابی به نمرات مطلوب و پاداش نیازمند تلاش گسترده است، زمینه لازم برای کم کاری و تلاش اندک برای رسیدن به موفقیت بیشتر را با گرایش به بی صدافتی تحصیلی فراهم می سازد (ویلیامز و ویلیامز، ۲۰۱۲). خودکنترلی، به عنوان یک نظریه انحراف عمومی، ممکن است یک مدل توضیحی برای درک و پیش بینی بی صدافتی تحصیلی ارائه دهد. نظریه خودکنترلی در تبیین عدم صدافت تحصیلی نتایج امیدوارکننده هرچند مبهم به همراه داشته است. تیبستس و میرز (۱۹۹۹) در مطالعه خود یک همبستگی متوسط ($r = 0.32$) بین خودکنترلی و قصد تقلب در یک سناریوی تقلب فرضی پیدا کردند. پژوهش ویلیامز و ویلیامز (۲۰۱۲) نیز حاکی از ارتباط خودکنترلی با بی صدافتی تحصیلی دانش آموزان بود.

خودکنترلی می تواند به طور موثری توانایی دانش آموزان را در کنترل ذهن و رفتار آنها افزایش دهد و مقاومت آنها در برابر بی صدافتی تحصیلی را بهبود بخشد (بولین، ۲۰۱۰؛ ارشدی و هزاریان، ۱۳۹۳). دانش آموزانی که توانایی خودکنترلی بالایی دارند می توانند به طور موثرتری زمان خود را در یادگیری مدیریت کنند، تکالیف تحصیلی را به موقع انجام دهند و توانایی های بهتری را برای جلوگیری از تأثیرات منفی فعالیت های اوقات فراغت و تداخل عاطفی بر یادگیری تحصیلی خود نشان دهند (لی، چپو، کوان و ژو، ۲۰۲۰). این توانایی ها دانش آموزان را قادر می سازد تا منابع روان شناختی خود را در حوزه تحصیلی سرمایه گذاری کنند، از این رو، آنها علاقه بیشتری به یادگیری نشان می دهند و کمتر دچار بی صدافتی می شوند. بنابراین، افزایش سطح خودکنترلی می تواند به طور موثری بی صدافتی تحصیلی را کاهش دهد (عتابی، ۱۳۹۹؛ ژو، آیو و یاتس، ۲۰۱۶). در این رابطه، ادناپتا، اکتاویا، خایرونیزا، رودهیا و هندراپوترا (۲۰۲۰) و زمانی، آهی و روانجو (۱۳۹۴) خاطر نشان کردند که کاهش خودکنترلی دانش آموزان اثرات قابل توجهی بر تمایل آنها به تقلب و رفتارهای بی صدافتی تحصیلی دارد. بامیستر و الغمدی (۲۰۱۵) نشان دادند که فضیلت اخلاقی برای غلبه بر انگیزه های غیر اخلاقی به کنترل خود بستگی دارد، بنابراین شکست در کنترل خود می تواند عملکرد اخلاقی را مختل کند. سبزیان، قدم پور و میردریکوند (۱۳۹۸) نیز نشان دادند که اخلاق تحصیلی به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق میانجی گری خودکارآمدی بر رفتارهای بی صدافتی تحصیلی تاثیر دارد.

ادبیات قابل‌توجهی در مورد هر یک از مفاهیم قضاوت اخلاقی، خودکنترلی و بی‌صدافتی تحصیلی وجود دارد، اما مطالعات کمی مسیرهای پیوند این سازه‌های تحصیلی را بررسی کرده‌اند و شکاف پژوهشی عمیقی در این رابطه احساس می‌گردد. اینکه قضاوت اخلاقی صرفاً نمی‌تواند تضمین‌کننده گرایش یا عدم‌گرایش به بی‌صدافتی تحصیلی دانش‌آموزان باشد، و از آنجایی که ظرفیت فردی برای خودکنترلی انگیزه‌ها و تمایلات می‌تواند به‌عنوان پیش‌نیاز مهم برای عملکرد فردی در نظر گرفته شود، لذا مطالعه اثرات خودکنترلی به‌عنوان یک مکانیسم بازدارنده در مسیر بین قضاوت اخلاقی و بی‌صدافتی تحصیلی می‌تواند دستاوردهای نظری و بالینی قابل‌توجهی داشته باشد، با این حال هنوز تحقیقات اندکی در این زمینه وجود دارد. بنابراین این مطالعه به دنبال شناخت روابط بین این متغیرها و همچنین از همه مهمتر شناخت نقش میانجی خودکنترلی دانش‌آموزان در رابطه بین قضاوت اخلاقی و رفتارهای بی‌صدافتی تحصیلی است، از این‌رو هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه بین قضاوت اخلاقی و بی‌صدافتی تحصیلی با نقش میانجی خودکنترلی در دانش‌آموزان بود. لذا فرضیه‌های زیر تدوین شدند:

- ۱- قضاوت اخلاقی با بی‌صدافتی تحصیلی دانش‌آموزان رابطه منفی دارد.
- ۲- قضاوت اخلاقی با خودکنترلی دانش‌آموزان رابطه منفی دارد.
- ۳- خودکنترلی در رابطه بین قضاوت اخلاقی و بی‌صدافتی تحصیلی دانش‌آموزان نقش میانجی دارد.

در شکل ۱ مدل پیشنهادی از روابط بین متغیرهای پژوهش نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل پیشنهادی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی-همبستگی است که با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری به بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش پرداخته است.

شرکت‌کنندگان پژوهش

جامعه آماری پژوهش کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه اول شهر ارومیه در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ به تعداد ۱۰۰۰۰ نفر بودند. حجم نمونه براساس دیدگاه کلاین (۲۰۱۱) مبنی بر ۱۰ تا ۲۰ برابر تعداد پارامترهای مدل پژوهش انتخاب گردید. بنابراین، نمونه پژوهش شامل ۳۸۰ نفر بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. نحوه انتخاب نمونه نیز بدین صورت بود که به گروه‌های آموزشی مدارس سطح شهر در برنامه شاد مراجعه شد و لینک اینترنتی پرسش‌نامه‌های پژوهش با هماهنگی ملعمان مربوطه در بین دانش‌آموزان کلاس‌ها توزیع شد و طی اطلاعیه‌ای در گروه از دانش‌آموزان درخواست شد با ورود به لینک مربوطه نسبت به تکمیل پرسش‌نامه‌ها اقدام کنند. ملاک‌های ورود به مطالعه شامل تحصیل در دوره متوسطه اول، رضایت آگاهانه برای شرکت در مطالعه و ملاک‌های خروج نیز شامل وجود اختلالات روان‌پزشکی دوران کودکی با توجه به پرونده بهداشتی و عدم تمایل به همکاری بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری در برنامه SPSS نسخه ۲۲ و AMOS نسخه ۲۱ استفاده شد. در این پژوهش ۵۴/۵ درصد از آزمودنی‌ها پسر و ۴۵/۵ درصد نیز دختر بودند. میانگین و انحراف استاندارد سنی آزمودنی‌ها به ترتیب برابر با ۱۳/۴۵ و ۰/۹۷ سال است. ۲۰/۸ درصد از آزمودنی‌ها در پایه هفتم، ۴۹/۲ درصد پایه هشتم و ۳۰ درصد در پایه نهم بودند.

ابزارهای پژوهش

مقیاس بی‌صدقاتی تحصیلی: این مقیاس یک نسخه اصلاح شده از مقیاس بی‌صدقاتی تحصیلی^۱ مک‌کابی و همکاران است که توسط وایتراپون، مالدونادو و لاسی (۲۰۱۰) تجدیدنظر و طراحی گردیده و توسط عظیمی، شهنی‌بیلاق و امیدیان (۱۳۹۸) در ایران اعتباریابی شده است. این مقیاس، بی‌صدقاتی تحصیلی را به وسیله واکنش‌های دانش‌آموزان نسبت به رفتارهای تقلب مختلف که در طی سال گذشته مرتکب شده‌اند، اندازه‌گیری می‌کند. مقیاس دارای ۲۴ گویه است که دو بعد رفتارهای تقلب سنتی^۲ (گویه‌های ۱ تا ۱۲؛ رساندن آرام پاسخ‌های یک امتحان به همکلاسی دیگر در طول امتحان) و رفتارهای تقلب معاصر^۳ (گویه‌های ۱۳ تا ۲۴؛ استفاده از تلفن همراه برای تقلب در امتحانات کلاسی) را می‌سنجد. در این مقیاس، پاسخ‌ها در یک طیف لیکرت چهار گزینه‌ای نمره

^۱. Academic Dishonesty Scale

^۲. traditional cheating

^۳. contemporary cheating

گذاری می‌شوند، به‌طوری که صفر (هرگز)، ۱ (یک بار)، ۲ (دو تا پنج بار) و ۳ (بیش از پنج بار) فراوانی رفتار تقلب را نشان می‌دهند. دامنه نمرات برای هر یک از ابعاد بین ۱۲ تا ۳۶ متغیر است (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۸). عظیمی و همکاران (۱۳۹۸) روایی مقیاس را از طریق تحلیل عاملی اکتشافی احراز نموده و پایایی آن را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در محدوده ۰/۸۰ تا ۰/۸۵ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر روایی مقیاس از طریق تحلیل عاملی تاییدی بررسی و تایید شد ($X^2/df=1/51$ ، $GFI=0/91$ ، $CFI=0/94$ ، $RMSEA=0/072$)، همچنین، پایایی مقیاس با مقدار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ مورد تایید قرار گرفت.

آزمون قضاوت اخلاقی: آزمون قضاوت اخلاقی^۱ توسط سینها و ورما در سال ۱۹۷۱ برای دانش‌آموزان ۶ تا ۱۱ ساله ساخته شده و توسط کرمی در سال ۱۳۷۹ در ایران اعتباریابی شده است (زندیه، ۱۳۹۳). گویه‌های این مقیاس معنای اخلاقی دارند و دو بعد کلی قضاوت اخلاقی یعنی مفاهیم مثبت قضاوت اخلاقی (وظیفه، احترام، بخشش، راست‌گویی) را با ۲۲ گویه (باید احترام بزرگترها را حفظ کنیم چون که....) و مفاهیم منفی قضاوت اخلاقی (نقص عهد، خشم، دروغ، سرقت و گناه) را با ۲۸ گویه (ما نباید دیگران را فریب دهیم چون که یا گناه یعنی؟) مورد سنجش قرار می‌دهند (زندیه، ۱۳۹۳). این آزمون در شش بخش تنظیم شده است که در بخش اول آزمودنی جواب صحیح را از بین سه گزینه و در پنج بخش بعدی از بین چهار گزینه انتخاب می‌کند. برای هر گویه فقط یک جواب صحیح وجود دارد، کل گویه‌ها ۵۰ مورد است. برای هر پاسخ درست نمره یک و برای انتخاب جواب غلط نمره صفر داده می‌شود. بنابراین حداکثر نمره ۵۰ و حداقل نمره صفر است. کل نمره آزمودنی در دو بعد مفاهیم مثبت و منفی شاخص قضاوت اخلاقی او بوده و نمرات بالاتر نشان‌دهنده قضاوت اخلاقی بهتر است (زندیه، ۱۳۹۳). زندیه (۱۳۹۳) با بررسی روایی سازه مقیاس از طریق تحلیل عاملی اکتشافی ساختار دو عاملی مقیاس را تایید و ضریب پایایی آن را از طریق آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۲ و برای مفاهیم مثبت ۰/۹۱ و مفاهیم منفی ۰/۹۳ به دست آورد. همچنین روایی همزمان این مقیاس را با مقیاس هوش اخلاقی ۰/۵۳ گزارش نمود. در پژوهش حاضر روایی مقیاس از طریق تحلیل عاملی تاییدی بررسی و تایید شد ($X^2/df=1/12$ ، $GFI=0/92$ ، $CFI=0/95$ ، $RMSEA=0/068$)، همچنین، پایایی مقیاس نیز با مقدار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ مورد تایید قرار گرفت.

مقیاس خودکنترلی: مقیاس خودکنترلی^۲ یک پرسش‌نامه خودگزارش‌دهی است که توسط تانگنی، بامیستر و بون (۲۰۰۴) ساخته شده است و از ۱۳ گویه (من به‌خوبی در برابر وسوسه‌ها مقاومت می‌کنم)، تشکیل شده است. این گویه‌ها در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای به‌صورت ۱

^۱. Moral Judgment Test

^۲. Self-Control Scale

(هرگز)، ۲ (به ندرت)، ۳ (گاه گاهی)، ۴ (زیاد) و ۵ (بسیار زیاد)، در نظر گرفته شده است. شاخص های روان سنجی این پرسش نامه در مطالعات متعدد مورد بررسی قرار گرفته است (احمدی جویباری، ۱۳۹۶). ضریب همسانی درونی در پژوهش تانگنی و همکاران (۲۰۰۴) از طریق آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۵ گزارش شده است. همچنین دریدر و همکاران (۲۰۱۱) با انجام تحقیقی همسانی درونی این پرسش نامه را مورد بررسی قرار دادند و ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس را برابر با ۰/۸۶ گزارش کردند. در مطالعه احمدی جویباری (۱۳۹۶) روایی این مقیاس از طریق روایی صوری و محتوایی (تأیید توسط متخصصان) مورد تأیید قرار گرفت و برای تعیین پایایی آن از ضریب همسانی درونی استفاده شد که ضریب آلفای کرونباخ با این روش برای کل مقیاس ۰/۹۱ به دست آمد. در پژوهش حاضر روایی مقیاس از طریق تحلیل عاملی تأییدی بررسی و تأیید شد ($X^2/df=2/01$ ، $RMSEA=0/075$ ، $CFI=0/93$ ، $GFI=0/90$)، همچنین، پایایی مقیاس نیز با مقدار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ مورد تأیید قرار گرفت.

یافته ها

در جدول ۱ شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش گزارش شده است.

جدول ۱. شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
مفاهیم مثبت قضاوت اخلاقی	۸	۱۹	۱۳/۹۴	۲/۳۲
مفاهیم منفی قضاوت اخلاقی	۶	۲۶	۱۶/۲۱	۲/۹۲
قضاوت اخلاقی	۲۰	۴۳	۳۰/۱۵	۴/۰۶
خودکنترلی	۱۹	۵۰	۳۸/۴۳	۶/۹۲
بی صداقتی سنتی	۱۲	۳۵	۲۰/۷۱	۵/۰۲
بی صداقتی معاصر	۱۱	۲۷	۱۸/۴۳	۳/۵۳
بی صداقتی تحصیلی	۲۵	۶۱	۳۹/۱۴	۶/۶۳

جدول ۲ همبستگی های متقابل بین قضاوت اخلاقی، خودکنترلی و رفتار بی صداقتی تحصیلی را نشان می دهد. با توجه به جدول ۲ بین قضاوت اخلاقی و ابعاد آن شامل مفاهیم مثبت قضاوت و مفاهیم منفی قضاوت با بی صداقتی تحصیلی و مولفه های رفتار سنتی تقلب و رفتار معاصر تقلب رابطه منفی و معنی داری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. بین قضاوت اخلاقی و ابعاد آن شامل مفاهیم مثبت قضاوت و مفاهیم منفی قضاوت با خودکنترلی رابطه مثبت و معنی داری در سطح ۰/۰۱ وجود

دارد. همچنین، بین خودکنترلی و بی‌صدقاتی تحصیلی و ابعاد آن شامل رفتارهای سنتی تقلب و رفتارهای معاصر تقلب رابطه منفی معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد.

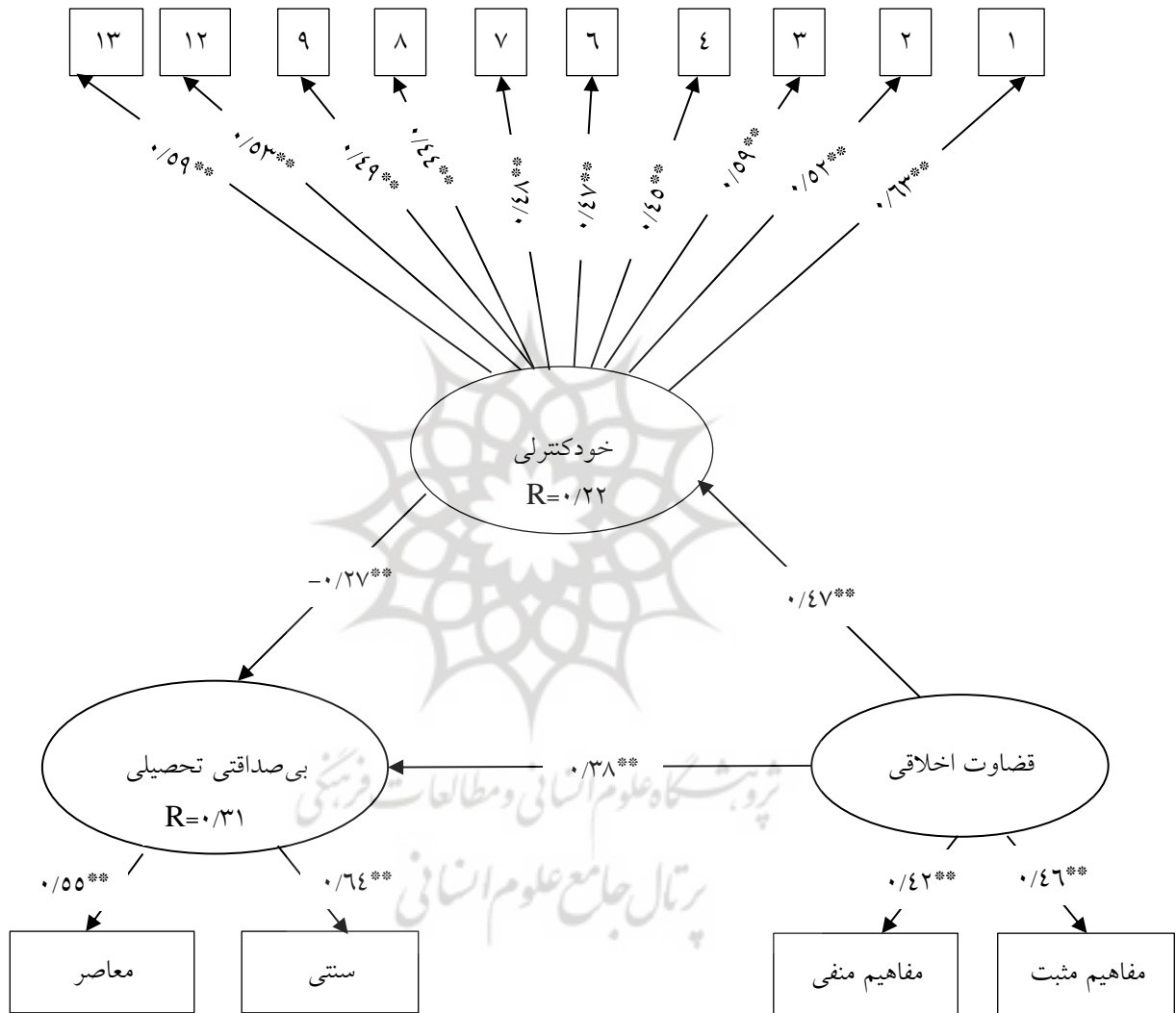
جدول ۲. ماتریس همبستگی پیرسون برای متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. مفاهیم مثبت قضاوت							
۲. مفاهیم منفی قضاوت	۰/۱۹**						
۳. قضاوت اخلاقی	۰/۸۱**	۰/۸۳**					
۴. خودکنترلی	۰/۲۲**	۰/۱۹**	۰/۲۶**				
۵. بی‌صدقاتی سنتی	-۰/۱۴**	-۰/۲۱**	-۰/۲۳**	-۰/۴۰**			
۶. بی‌صدقاتی معاصر	-۰/۲۰**	-۰/۱۵**	-۰/۲۲**	-۰/۲۳**	۰/۱۸**		
۷. بی‌صدقاتی	-۰/۲۱**	-۰/۲۳**	-۰/۲۹**	-۰/۴۲**	۰/۸۵**	۰/۳۷**	

* $p \leq 0.05$, ** $p \leq 0.01$

در ادامه، برای بررسی پیش‌فرض نبود داده پرت تک‌متغیری از روش تبدیل نمرات خام به نمرات استاندارد استفاده شد و بررسی نمرات Z بزرگتر از ۲/۵ نشان داد که داده پرت تک‌متغیری وجود ندارد. با استفاده از آزمون کالموگروف-اسمیرنوف نرمال بودن باقیمانده‌ها برای متغیر وابسته بی‌صدقاتی تحصیلی بررسی شد که نتیجه نشان‌دهنده عدم تخطی از این پیش‌فرض بود ($p=0.148$). مقدار آماره دوربین-واتسون برابر با ۱/۷۴ بود و نشان می‌دهد که پیش‌فرض استقلال باقیمانده‌ها رعایت شده است. بررسی شاخص تحمل (۰/۹۳۱) و شاخص عامل تورم واریانس (۱/۰۷) نشان داد که هم‌خطی جدی در متغیرهای پیش‌بین (قضاوت اخلاقی و خودکنترلی) مشهود نیست. در ادامه، ابتدا شاخص‌های برازش مدل مفروض بررسی شد. برای تعیین مناسب بودن برازندگی مدل پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی توسط صاحب‌نظران مطرح شده است (وستون و گوره، ۲۰۰۶)، و شاخص‌های کلی نیکویی برازش (GFI)، برازش مقایسه‌ای (AGFI) و نیکویی برازش انطباقی (CFI) بالاتر از ۰/۹۰ نشان‌دهنده برازش مناسب الگو و بالاتر از ۰/۸۰ نشان‌دهنده برازش نسبتاً خوب یا متوسط الگو است (کلاین، ۲۰۱۱). همچنین مقدار مجذور خی بر درجه آزادی (X^2/df) کمتر از ۳، خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) کمتر از ۰/۱۰ و شاخص تقریب برازش (PCLOSE) بالاتر از ۰/۰۵ (براون و کودیک، ۱۹۹۲) نشان‌دهنده برازش مناسب الگو است. با توجه به شاخص‌های برازندگی مجذور خی نسبی ۱/۱۷، نیکویی برازش ۰/۹۷۲، نیکویی برازش انطباقی ۰/۹۵۹، برازش مقایسه‌ای برابر با ۰/۹۷۸، جذر میانگین مجذورات خطای تقریب ۰/۲۱ و شاخص تقریب برازش برابر با ۰/۱۵ مدل ساختاری پژوهش از

برازش مطلوبی برخوردار است. در ادامه، مدل برازش یافته و نهایی پژوهش در شکل ۲ و ضرایب استاندارد برای اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل و درصد تبیین واریانس توسط متغیرها در جدول ۳ ارائه گردیده است.



**p<0.01

شکل ۲. مدل نهایی تاثیر قضاوت اخلاقی بر بی صداقتی تحصیلی از طریق خودکنترلی

جدول ۳. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل قضاوت اخلاقی بر بی‌صدافتی تحصیلی از طریق خودکنترلی

مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
قضاوت اخلاقی - خودکنترلی	۰/۴۷**	-	۰/۴۷**
قضاوت اخلاقی - بی‌صدافتی تحصیلی	-۰/۳۸**	-۰/۱۳*	-۰/۵۱**
خودکنترلی - بی‌صدافتی تحصیلی	-۰/۲۷**	-	-۰/۲۷**
R^2 خودکنترلی	۰/۲۲	-	-
R^2 بی‌صدافتی تحصیلی	۰/۳۱	-	-

* $p \leq 0/05$, ** $p \leq 0/01$

در آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش با توجه به شکل ۲ و جدول ۳ مشخص شد که مسیر مستقیم از قضاوت اخلاقی به خودکنترلی ($\beta = 0/47, p = 0/002$)، و بی‌صدافتی تحصیلی ($\beta = -0/13, p = 0/006$)، و همچنین، مسیر مستقیم از خودکنترلی به بی‌صدافتی تحصیلی ($\beta = -0/27, p = 0/006$)، از نظر آماری معنی‌دار هستند. بنابراین، می‌توان مطرح نمود که قضاوت اخلاقی و خودکنترلی به‌شيوه منفی قادر به پیش‌بینی بی‌صدافتی تحصیلی و همچنین قضاوت اخلاقی به‌شيوه مثبت قادر به پیش‌بینی خودکنترلی هستند. در ادامه برای آزمون فرضیه سوم پژوهش و بررسی روابط واسطه‌ای مدل پیشنهادی و دستیابی به معنی‌داری اثر غیرمستقیم از آزمون بوت‌استرپ برنامه AMOS با روش نمونه‌گیری مجدد ۸۰۰ نفر استفاده شد و یافته حاصل شده نشان داد که قضاوت اخلاقی از طریق خودکنترلی به‌صورت منفی بی‌صدافتی تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند ($\beta = -0/13, p = 0/015$). به‌عبارتی با افزایش نمرات افراد در قضاوت اخلاقی، نمرات آن‌ها در خودکنترلی افزایش یافته و به دنبال این افزایش نمرات بی‌صدافتی تحصیلی کاهش می‌یابد. بنابراین، قضاوت اخلاقی قادر به تبیین ۲۲ درصد از واریانس خودکنترلی و همچنین، هر دو متغیر قضاوت اخلاقی و خودکنترلی به‌طور هم‌زمان قادر به تبیین ۳۱ درصد از واریانس بی‌صدافتی تحصیلی هستند؛ به‌عبارتی، خودکنترلی نقش میانجی معنی‌داری در رابطه بین قضاوت اخلاقی و بی‌صدافتی تحصیلی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر قضاوت اخلاقی بر بی‌صدافتی تحصیلی با نقش میانجی خودکنترلی در دانش‌آموزان انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که قضاوت اخلاقی اثر مستقیم منفی و معنی‌داری بر بی‌صدافتی تحصیلی دانش‌آموزان دارد. این یافته نشان می‌دهد که با افزایش نمرات دانش‌آموزان در قضاوت اخلاقی نمرات بی‌صدافتی تحصیلی کاهش یافته است. این یافته با یافته‌های پژوهش حریراتی و اکاسری (۲۰۲۰)، رضایی، حجازی و کارشکی (۱۳۹۹)، استیفنز (۲۰۱۸)، وانگ و همکاران (۲۰۱۷) و جوکار و حق‌نگهدار (۱۳۹۵) هم‌سو است. نتایج این تحقیقات هم‌سو

با این یافته نشان داده است که قضاوت اخلاقی و سازه‌های مرتبط با آن همچون استدلال اخلاقی تاثیر معنی‌داری بر رفتارهای بی‌صدقاتی تحصیلی و تقلب دانش‌آموزان دارد. در تبیین این یافته می‌توان مطرح ساخت که توانایی قضاوت اخلاقی بالا یعنی اینکه فرد بتواند دلایل منطقی احترام به دیگران، راست‌گویی و عمل خوب و همچنین عدم استفاده از خشونت، فریب دیگران، انتقام گرفتن و یا دزدی نکردن را درک کند و رسیدن به چنین سطحی از قضاوت اخلاقی به دلیل اینکه با ارزش‌های مبتنی بر وظیفه و تعهدات فردی مانند مسئولیت‌پذیری همراه است می‌تواند شخص را در قبال انتخاب‌هایش مسئول نماید و به جهت این مسئولیتی که بر ساختار روانی شخص حاکم گردیده است، وی در رفتارها و انتخاب‌های خود دقت و حساسیت اخلاقی بیشتری نشان می‌دهد. همان‌طور که توسط کلبرگ نیز مطرح شده است، قضاوت‌های مسئولیتی^۱ (قضاوت در مورد اقدام درست یا منصفانه در مواجهه با یک معضل اخلاقی)، مکانیسم‌های تعیین‌کننده وظیفه اخلاقی برای عمل مطابق با انتخاب‌های اخلاقی است که جهت‌گیری فرد به سمت بی‌صدقاتی یا رفتارهای اخلاق محور را مشخص می‌سازد. این قضاوت‌های مسئولیتی باعث ایجاد حس مسئولیت‌پذیری شخصی برای پیگیری و انجام عمل درست می‌شوند (استیفنز، ۲۰۱۸)، و بدین طریق منجر به کاهش بی‌صدقاتی تحصیلی دانش‌آموزان می‌گردند. همچنین قضاوت اخلاقی ارزش‌هایی مبتنی بر بخشش همچون پذیرش انتقاد و نظرات دیگران، و از همه مهمتر ارزش‌های درستکارانه و صداقت‌گرایی مانند صداقت تحصیلی بالاتر را به همراه دارد (خرمائی و قائمی، ۱۳۹۷). به عبارتی، قضاوت اخلاقی به عنوان یک نیروی انگیزشی برای انجام اعمال اخلاقی عمل می‌کند که باعث می‌شود شخص در موقعیت‌های تحصیلی اخلاقی‌تر رفتار نماید (کوهن و مورس، ۲۰۱۶).

یافته دیگر پژوهش نشان داد که قضاوت اخلاقی اثر مستقیم مثبت و معنی‌داری بر خودکنترلی دارد. این یافته نشان می‌دهد که سطح بالای قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان با سطوح بالاتر خودکنترلی همراه خواهد بود. این یافته با یافته‌های پژوهش کورنول و هیگینز (۲۰۱۹) و عتابی (۱۳۹۹) مبنی بر تاثیر قضاوت اخلاقی بر خودکنترلی هم‌سوئی دارد. در این رابطه، عتابی (۱۳۹۹) خاطر نشان کرد که هوش اخلاقی به‌طور معنی‌داری قادر به پیش‌بینی معنی‌دار و مثبت خودکنترلی و خودتنظیمی در نوجوانان دختر است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که در دیدگاه کلبرگ و پیازه، قضاوت اخلاقی بخش محوری اخلاق است. کلبرگ فرض می‌کند که قضاوت اخلاقی عامل مهمی است که در تصمیم برای عمل اخلاقی و به‌ویژه خودکنترلی نقش اصلی را ایفا می‌کند (چنگ، ۲۰۱۴). در نظریه شناختی اجتماعی نیز رفتار اخلاقی و رفتار غیراخلاقی بازتابی از استدلال اخلاقی و مکانیسم‌های خودنظارتی و خودکنترلی است (ونگ، لی، لیو و هو، ۲۰۱۶). امروزه بیشتر روان‌شناسان معتقدند که کنترل درونی تعیین‌کننده رفتار فرد است. وقتی فرد با موقعیت و محرکی روبرو شود که

^۱. responsibility judgments

با رفتار و ارزش‌های او مغایر باشد از خود مقاومت شدیدی نشان می‌دهد ولی اگر با رفتار و ارزش‌های او سازگار و موافق باشد، آن را می‌پذیرد. مطالعات نشان دادند که رفتار اخلاقی افراد نه به وسیله عوامل بیرونی بلکه توسط عوامل درونی مانند خودکنترلی تعیین می‌شود (وزیر، ۲۰۱۰). بنابراین، قضاوت اخلاقی با ایجاد زمینه درونی‌سازی اخلاقیات می‌تواند اثرات مثبتی بر خودکنترلی داشته باشد. در این زمینه، کلبگ و کندی (۱۹۸۴؛ نقل از استیفنز و وانگارد، ۲۰۱۶) نیز دریافتند که خودکنترلی و سایر مهارت‌های مرتبط به حوزه‌هایی به غیر از اخلاق برای تبدیل قضاوت اخلاقی به عمل اخلاقی ضروری هستند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که خودکنترلی اثر مستقیم منفی و معنی‌داری بر بی‌صدافتی تحصیلی دانش‌آموزان دارد. این یافته نشان می‌دهد که سطح بالای خودکنترلی با سطوح پایین‌تر بی‌صدافتی تحصیلی همراه خواهد بود. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های بامیستر و الغمدی (۲۰۱۵)، ادنادیتا و همکاران (۲۰۲۰)، بولین (۲۰۱۰) و زمانی و همکاران (۱۳۹۴) هم‌سویی دارد. نتایج این پژوهش‌ها نشان داده است که کاهش خودکنترلی دانش‌آموزان اثرات قابل‌توجهی بر تمایل آن‌ها به تقلب و رفتارهای بی‌صدافتی تحصیلی دارد. در تبیین این یافته می‌توان اظهار کرد که خودکنترلی یک نوع ارزشیابی شناختی است که بر کنترل ذهنی و ارزش ذهنی افراد از فعالیت‌ها و پیامدهای تحصیلی اثر می‌گذارد. خودکنترلی یکی از جنبه‌های روان‌شناختی است که با رفتارهای اخلاقی مرتبط است (هیرتلنهر و کانز، ۲۰۱۶)، در واقع، مهمترین عنصر اخلاق است زیرا رفتار را تنظیم می‌کند. بنابراین یک پیش‌نیاز برای رفتار اخلاقی است (ویتل و همکاران، ۲۰۰۹). لذا، افراد با سطح خودکنترلی بالا فکر می‌کنند که می‌توانند سطح شایستگی‌های خود را از طریق تلاش زیاد افزایش دهند. از این رو، تلاش برای موفقیت ارزشمند است. این افراد دارای حس بالاتری از کنترل ذهنی بر یادگیری و پیامدهای آن هستند که موجب غرور و رضایت از عملکرد می‌شود (زمانی و همکاران، ۱۳۹۴). از این رو، زمینه‌گرایی به بی‌صدافتی تحصیلی کاهش می‌یابد. در حالی که افراد با خودکنترلی پایین فرض می‌کنند که توانایی و شایستگی پایینی دارند و تلاش و کوشش نقشی در تغییر توانایی آن‌ها ندارد. این افراد معتقدند یا هیچ‌کنترلی بر فعالیت‌ها ندارند، یا کنترل اندکی بر آن‌ها دارند. چنین باوری معمولاً با اهمیت یافتن تقویت‌کننده‌های بیرونی مانند نمره خوب و تشویق دیگران به جای خود یادگیری، زمینه‌گرایی به راهبردهای ناسالم از جمله تقلب و بی‌صدافتی را افزایش می‌دهد (بامیستر و الغمدی، ۲۰۱۵).

یافته نهایی پژوهش نشان داد که قضاوت اخلاقی اثر غیرمستقیم منفی و معنی‌داری از طریق خودکنترلی بر بی‌صدافتی تحصیلی دانش‌آموزان دارد. این یافته نشان می‌دهد که سطح بالای قضاوت اخلاقی با تاثیرگذاری مثبت بر خودکنترلی دانش‌آموزان منجر به کاهش بی‌صدافتی تحصیلی می‌گردد. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های سبزیان و همکاران (۱۳۹۸)، رونی (۲۰۱۵)، بامیستر و

الغمادی (۲۰۱۵)، و هنینگ و همکاران (۲۰۱۳) هم‌سویی دارد. تحقیقات نشان دادند که رابطه بین قضاوت اخلاقی و رفتارهای غیراخلاقی تحت‌تاثیر برخی از سازه‌های مرتبط با مهار درونی است (ارشدی و هزاریان، ۱۳۹۳). علاوه بر این، پژوهش سبزیان و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد که اخلاق تحصیلی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق میانجی‌گری خودکارآمدی بر رفتارهای بی‌صدقاتی تحصیلی تاثیر دارد. در تبیین این یافته می‌توان مطرح ساخت که بی‌صدقاتی تحصیلی یک رفتار غیراخلاقی شایع در محیط‌های آموزشی است. دانش‌آموزان دارای قضاوت اخلاقی بالا نسبت به ارزش‌ها، قوانین، وظایف و اهداف آموزشی و تحصیلی متعهد بوده و دارای هویت آموزشی سازنده و از لحاظ روانی سازگاری سالم و عملکرد مطلوبی هستند (گاگلیلمو، ۲۰۱۵). این دانش‌آموزان همواره در انتخاب خود رویکردی واحد را اتخاذ می‌کنند که خودکنترلی در آن نقش محوری را ایفا می‌کند (استیفنز، ۲۰۱۸). به‌واسطه این خودکنترلی که در افراد با قضاوت اخلاقی بالا در سطح مطلوبی قرار دارد دانش‌آموزان گرایش کمتری به رفتارهای بی‌صدقاتی تحصیلی دارند (کومارراجو و دیال، ۲۰۱۴). همچنین دانش‌آموزان با قضاوت اخلاقی ضعیف تعهدی برای اهداف، ارزش‌ها و وظایف تحصیلی خود ندارند. این افراد گرایش به تلاش کمتر و استفاده بیشتر از راهبردهای خودحفاظتی دارند. از این‌رو، برای کسب نمره بیشتر و حفاظت از خود در برابر سرزنش دیگران گرایش به بی‌صدقاتی تحصیلی دارند (کوربا، واز و ایزاکسون، ۲۰۱۲). بنابراین، افراد دارای قضاوت اخلاقی پایین به‌علت بی‌تعهدی نسبت به اهداف و ارزش‌های تحصیلی و آموزشی از پرداختن به موضوعات آموزشی و تحصیلی اجتناب نموده و در تصمیم‌گیری‌ها از راهبردهای نامناسب و توجیه‌گری استفاده می‌کنند و از خودکنترلی پایینی برخوردارند که می‌تواند زمینه‌ساز گرایش به بی‌صدقاتی تحصیلی را فراهم سازد (رونی، ۲۰۱۵).

همچنین، در توجیه دیگر برای نقش میانجی خودکنترلی تحقیقاتی که توسط برسوف (۱۹۹۹) و جینو (۲۰۱۵) انجام شده است، اشاره نمودند حتی افرادی که برای اخلاق ارزش قائل هستند، وقتی فرصتی برای تقلب در اختیارشان قرار می‌گیرد، می‌توانند اقدامات غیراخلاقی انجام دهند. آن‌ها بدون در نظر گرفتن سطح اخلاقی خود، در موقعیت‌های متفاوت رفتار ثابتی از خود نشان نمی‌دهند (مزار، امیر و آرلیلی، ۲۰۰۸). بسیاری از دانش‌آموزان، حتی زمانی که معتقدند انجام این کار اشتباه است، تقلب می‌کنند (استفانز، ۲۰۱۸)، این نشان می‌دهد که قضاوت اخلاقی انعطاف‌پذیر است و یک ویژگی ثابت رفتاری تلقی نمی‌شود. بنابراین، افراد ممکن است نتوانند در محیط آموزشی وسوسه ارتکاب برخی اعمال غیراخلاقی را مهار کنند یا هنگام تصمیم‌گیری در مورد برخی مسائل اخلاقی با دوگانگی مواجه شوند که نقش خودکنترلی را برجسته می‌سازد (جینو، ۲۰۱۵). بنابراین، دانش‌آموزانی که خود را انسان‌هایی صادق می‌دانند و از اخلاق پیروی می‌کنند، ممکن است وقتی فرصت‌هایی در اختیارشان قرار می‌گیرد، در حد معینی مرتکب بی‌صدقاتی تحصیلی شوند. از این‌رو،

در چنین فرایندی مکانیسم خودکنترلی و مهار درونی انگیزه‌ها می‌تواند تعیین‌کننده میزان گرایش دانش‌آموزان به بی‌صدافتی تحصیلی تلقی شود.

با توجه به اهمیت و نقشی که قضاوت اخلاقی و خودکنترلی در بی‌صدافتی تحصیلی دارد، پیشنهاد می‌شود زمینه‌آشنایی دانش‌آموزان با قضاوت اخلاقی و خودکنترلی و روش‌های ارتقای آن در قالب برنامه‌های درسی و یا دوره‌های کوتاه‌مدت برای کاهش بی‌صدافتی تحصیلی دانش‌آموزان فراهم گردد.

نمونه مطالعه حاضر محدود به دانش‌آموزان دوره تحصیلی متوسطه اول شهر ارومیه بود که لازم است در تعمیم‌دهی نتایج به سایر دوره‌های تحصیلی جانب احتیاط رعایت شود. همچنین، اجرای مجازی پرسش‌نامه‌ها، استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و دشواری در فرایند هماهنگی با دبیران برای دعوت دانش‌آموزان به تکمیل پرسش‌نامه از جمله محدودیت‌های دیگر پژوهش بود. پیشنهاد می‌شود به منظور دست‌یابی به نتایج تعمیم‌پذیر از روش‌های پژوهش آزمایشی برای بررسی اثرات آموزش قضاوت اخلاقی بر بی‌صدافتی تحصیلی با در نظر گرفتن نقش میانجی خودکنترلی در قالب طرح‌های عاملی و بلوکی انجام شود. به دلیل محدودیت اول پژوهش پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های دیگری بر روی دانش‌آموزان سایر دوره‌های تحصیلی و سایر سطوح سنی انجام گیرد. پیشنهاد می‌شود مدل‌های مشابهی با در نظر گرفتن نقش متغیرهای تعدیل‌کننده جنسیت، سن و بهره هوشی انجام شود.

تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت‌کنندگان پژوهش و کسانی که در مراحل مختلف یاری‌گر اجرای مطالعه بودند، صمیمانه سپاسگزاری می‌گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف. فارسی

- احمدی جویباری، مریم. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی (مطالعه موردی: شهر بابلسر). فصلنامه روان‌شناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی، ۱ (۲)، ۷۰-۶۳.
- ارشدی، نسرين و هزاریان، سلماز. (۱۳۹۳). رابطه قضاوت اخلاقی با رفتار غیراخلاقی: نقش تعدیل کننده جایگاه مهار درونی. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۴ (۱۴)، ۱۷-۲۹.
- جوکار، بهرام و حق‌نگهدار، مرجان. (۱۳۹۵). رابطه هویت اخلاقی با بی‌صدافتی تحصیلی: بررسی نقش تعدیلی جنسیت. مجله مطالعات آموزش و یادگیری، ۸ (۲)، ۱۶۲-۱۴۳.
- خرمائی، فرهاد و قائمی، مریم. (۱۳۹۷). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه منش‌های اخلاقی. بخش روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- رضایی، زینب؛ حجازی، الهه و کارشکی، حسین. (۱۳۹۹). نقش تعدیل‌کنندگی همدلی در رابطه بین قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی در دانش‌آموزان. مجله روان‌شناسی، ۲۴ (۲)، ۱۸۳-۱۶۷.
- زمانی، مینا؛ آهی، قسم و روانجو، فرامرز. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین عزت نفس و خودکنترلی با تقلب تحصیلی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی، تهران.
- زندیه، افسانه. (۱۳۹۳). تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون قضاوت اخلاقی (MJT) دانش‌آموزان ۸ تا ۱۱ سال و رابطه آن با هوش اخلاقی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- سبزیان، سعیده؛ قدم‌پور، عزت‌اله و میردریکوند، فضل‌اله. (۱۳۹۸). ارائه مدل علی درگیری تحصیلی و اخلاق تحصیلی با تقلب تحصیلی: نقش میانجی‌گری خودکارآمدی تحصیلی. مجله روان‌شناسی مدرسه، ۸ (۴)، ۱۵۵-۱۳۱.
- عتابی، حمیده. (۱۳۹۹). پیش‌بینی خودکنترلی و خودتنظیمی براساس هوش اخلاقی در نوجوانان دختر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- عظیمی، کامیار؛ شهنی‌بیلاق، منیجه و امیدیان، مرتضی. (۱۳۹۸). ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس بی‌صدافتی تحصیلی و ارتباط آن با چشم‌انداز زمان در دانش‌آموزان دبیرستانی. مجله اخلاق زیستی، ۹ (۳۲)، ۳۲-۲۰.

ب. انگلیسی

- Anitha, P., & Sundaram, S. (2021). Prevalence, types and reasons for academic dishonesty among college students. *Journal of Studies in Social Sciences and Humanities*, 7(1), 1-14.

- Aybek, E. C., Çavdar, D., & Özabacı, T. M. N. (2015). University students' moral judgment and emotional intelligence level: A model testing. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 191, 2740-2746.
- Baumeister, F. R., & Alghamdi, G. N. (2015). Role of self-control failure in immoral and unethical actions. *Current Opinion in Psychology*, 6, 66-69.
- Bersoff, D. M. (1999). Why good people sometimes do bad things: Motivated reasoning and unethical behavior. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 25(1), 28-39.
- Bolin, U. A. (2010). Self-control, perceived opportunity, and attitudes as predictors of academic dishonesty. *The Journal of Psychology*, 138(2), 101-114.
- Browne, M. W., & Cudeck, R. (1992). Alternative ways of assessing model fit. *Sociological Methods & Research*, 21(2), 230-258.
- Ceschi, A., Hysenbelli, D., Sartori, R., & Tacconi, G. (2014). *Cooperate or defect? How an agent based model simulation on helping behavior can be an educational tool*. Paper presented at the Methodologies and Intelligent Systems for Technology Enhanced Learning, Cham.
- Cheng, C. (2014). The predictive effects of self-esteem, moral self, and moral reasoning on delinquent behaviors of Hong Kong young people. *International Journal of Criminology and Sociology*, 3, 133-145.
- Chorba, K., Was, C. A., & Isaacson, R. M. (2012). Individual differences in academic identity and self-handicapping in undergraduate college students. *Individual Differences Research*, 10(2), 60-68.
- Cohen, T. R., & Morse, L. (2016). Moral character: What it is and what it does. *Research in Organizational Behavior*, 34, 43- 61.
- Cornwell, J., & Higgins, E. T. (2019). Sense of personal control intensifies moral judgments of others' actions. *Frontiers in Psychology*, 10, 2261.
- De Ridder, D., de Boer, B., Lugtig, P., Bakker, R. B., & van Hooft, E. (2011). Not doing bad things is not equivalent to doing the right thing: Distinguishing between inhibitory and initiatory self-control. *Personality and Individual Differences*, 50, 1006-1011.
- Ednadita, G., Octavia, S., Khairunnisa, F. S., Rodhiyah, I., & Hendraputra, D. (2020). Effects of self-control on cheating among Indonesian college students. *Indonesian Psychological Research*, 2(2), 87-95.
- Fujita, K. (2011). On conceptualizing self-control as more than the effortful inhibition of impulses. *Personality and Social Psychology Review*, 15(4), 352-366.
- Gino, F. (2015). Understanding ordinary unethical behavior: Why people who value morality act immorally. *Current Opinion in Behavioral Sciences*, 3, 107-111.
- Guglielmo, S. (2015). Moral judgment as information processing: An integrative review. *Frontiers in Psychology*, 6, 1637.
- Haidt, J. (2001). The emotional dog and its rational tail: A social intuitionist approach to moral judgment. *Psychological Review*, 108(4), 814-834.
- Hakim, L., Soesatyo, Y., Dwiharja, L. M., Prakoso, A. F., Kurniawan, R. Y., Marlana, N., & Widayati, I. (2018). The impact of alienation through neutralization on students' academic dishonesty. *Journal of Teaching in International Business*, 29(2), 161-179.
- Hayashi, A., Abe, N., Fujii, T., Ito, A., Ueno, A., Koseki, Y., . . . Mori, E. (2014). Dissociable neural systems for moral judgment of anti- and pro-social lying. *Brain Research*, 1556, 46-56.
- Henning, M. A., Ram, S., Malpas, P., Shulruf, B., Kelly, F., & Hawken, S. J. (2013). Academic dishonesty and ethical reasoning: Pharmacy and medical school students in New Zealand. *Medical Teacher*, 35(6), 1211-e1217.
- Heriyati, D., & Ekasari, W. F. (2020). A study on academic dishonesty and moral reasoning. *Indonesian Journal of Education*, 12(2), 56-62.

- Hirtenlehner, H., & Kunz, F. (2016). The interaction between self-control and morality in crime causation among older adults. *European Journal of Criminology*, 13(3), 393-409.
- Kana, R. K. (2011). Moral judgments. In S. Goldstein & J. A. Naglieri (Eds.), *encyclopedia of child behavior and development*. Springer, Boston, MA.
- Klebl, C., Dziobek, I., & Diessner, R. (2020). The role of elevation in moral judgment. *Journal of Moral Education*, 49(2), 158-176.
- Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling* (3th Ed.). London: Guilford Press.
- Komarraju, M., & Dial, C. (2014). Academic identity, self-efficacy, and self-esteem predict self-determined motivation and goals. *Learning and Individual Differences*, 32, 1-8.
- Krou, M. R., Fong, C. J., & Hoff, M. A. (2021). Achievement motivation and academic dishonesty: A meta-analytic investigation. *Educational Psychology Review*, 33, 427-458.
- Lei, H., Chiu, M. M., Quan, J., & Zhou, W. (2020). Effect of self-control on aggression among students in China: A meta-analysis. *Children and Youth Services Review*, 116, 105107.
- Luo, Y., Zhang, H., & Chen, G. (2020). The impact of family environment on academic burnout of middle school students: The moderating role of self-control. *Children and Youth Services Review*, 119, 105482.
- Mazar, N., Amir, O., & Ariely, D. (2008). The dishonesty of honest people: A theory of self-concept maintenance. *Journal of Marketing Research*, 45(6), 633-644.
- Ridwan, R., & Diantimala, Y. (2021). The positive role of religiosity in dealing with academic dishonesty. *Cogent Business & Management*, 8(1), 1875541.
- Rooney, C. (2015). *Moral reasoning of student and academic misconduct habits: A qualitative evaluation*. Masters Theses, 1898.
- Sinha, D., & Verma, M. (1971). *Moral judgment test*. National Psychological Corporation, Agra, Uttar Pradesh, India.
- Stephens, J. M. (2018). Bridging the divide: The role of motivation and self-regulation in explaining the judgment-action gap related to academic dishonesty. *Frontiers in Psychology*, 9:246. Doi: 10.3389/fpsyg.2018.00246.
- Stephens, J. M., & Wangaard, D. B. (2016). The achieving with integrity seminar: an integrative approach to promoting moral development in secondary school classrooms. *International Journal for Educational Integrity*, 12(1), 1-16.
- Stuber-McEwen, D., Wisely, P., & Hoggat, S. (2009). Point, click and cheat: Frequency and type of academic dishonesty in the virtual classroom. *Online Journal of Distance Learning Administration*, 12(3), 1-10.
- Tangney, J. P., Baumeister, R. F., & Boone, A. L. (2004). High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success. *Journal of Personality*, 72(2), 271-324.
- Thomas, D. (2017). Factors that explain academic dishonesty among university students in Thailand. *Ethics & Behavior*, 27(2), 140-154.
- Tibbetts, S. G., & Myers, D. L. (1999). Low self-control, rational choice, and student test cheating. *American Journal of Criminal Justice*, 23(2), 179-200.
- Vazire, S. (2010). Who knows what about a person? The self-other knowledge asymmetry (SOKA) model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 98(2), 281.
- Vitell, S. J., Bing, M. N., Davison, H. K., Ammeter, A. P., Garner, B. L., & Novicevic, M. M. (2009). Religiosity and moral identity: The mediating role of self-control. *Journal of Business Ethics*, 88(4), 601-613.

- Wang, X., Lei, L., Liu, D., & Hu, H. (2016). Moderating effects of moral reasoning and gender on the relation between moral disengagement and cyberbullying in adolescents. *Personality and Individual Differences*, 98, 244-249.
- Wang, Y., Wang, G., Chen, Q., & Li, L. (2017). Depletion, moral identity, and unethical behavior: Why people behave unethically after self-control exertion. *Consciousness and Cognition*, 56, 188-198.
- Weston, R., & Gore Jr, P. A. (2006). A brief guide to structural equation modeling. *The Counseling Psychologist*, 34(5), 719-751.
- Williams, M. W. M., & Williams, M. N. (2012). Academic dishonesty, self-control, and general criminality: A prospective and retrospective study of academic dishonesty in a New Zealand university. *Ethics & Behavior*, 22(2), 89-112.
- Witherspoon, M., Maldonado, N., & Lacey, C. H. (2010). *Academic dishonesty of undergraduates: Methods of cheating*. Online Submission. Paper presented at the Annual Meeting of the American Educational Research Association (Denver, CO, Apr 30-May 4, 2010)
- Zhang, Y., Yin, H., & Zheng, L. (2018). Investigating academic dishonesty among Chinese undergraduate students: Does gender matter? *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 43(5), 812-826.
- Zhu, Y., Au, W., & Yates, G. (2016). University students' self-control and self-regulated learning in a blended course. *The Internet and Higher Education*, 30, 54-62.



English Abstract

The Relationship between Moral Judgment and Academic Dishonesty with the Mediating Role of Self-Control in High School Students

Yasin Hoseini Alman Abad*, Bagher Sardary**

The aim of this study was to investigate the effect of moral judgment on academic dishonesty with the mediating role of self-control in high school students. This study adopted a descriptive-correlation design using structural equation modeling (SEM). The statistical population of the study included all high school students (N = 10,000) in Urmia, West Azerbaijan province, in the academic year 2020-2021. Of these students, 380 students were selected by available sampling. Data collection tools included Moral Judgment Test (MJT), Academic Dishonesty Scale (ADS), and Self-Control Scale (SCS). Data analysis was performed using Pearson correlation analysis and SEM in SPSS version 22 and AMOS version 21. The results indicated that the structural model had a good fit. Moral judgment, both directly and indirectly through self-control, was found to be a negative and significant predictor of students' academic dishonesty. Based on the findings of this study, it can be concluded that to reduce academic dishonesty, more attention should be paid to students' moral judgment and self-control.

Keywords: academic dishonesty, high school students, moral judgment, self-control

*MA in Educational Psychology, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran.
yasin.ho123654@gmail.com

**Assistant Professor, Department of Educational Science, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran
(Corresponding Author) sardary1152bagher@gmail.com